

## نبود پزشك جان پسر بچه ۵ ساله را گرفت

# نیش محرومیت

به عقرب گزیدگی در سیستان و بلوچستان، زنبورگزیدگی را هم اضافه کنید. حدود يك هفته پیش، شمع عمر پسر بچه پنج ساله‌ای به نام عبدالرحمان بلوچی به علت نیش این حشره و نبود امکانات درمانی در محل زندگی اش، خیلی زود خاموش شد.

پیدا کردن پدر عبدالرحمان کوچولو کار راحتی نبود. او در روستای چیل بُن و جایی زندگی می‌کند که به قول یکی از اقوامش، از همه چیز محروم است. حتی دکل مخابرات هم ندارد تا بتوانیم با پدر مستقیم صحبت کنیم چه برسد به امکانات درمانی. به همین علت با واسطه سلیم بلوچی، یکی از اقوام عبدالرحمان و تماس او با چند نفر دیگر توانستیم پدر پسر بچه فوت شده را پیدا و با او در مورد حادثه‌ای که باعث مرگ فرزندش شده است، صحبت کنیم.

همین چند روز پیش بود که معلم یکی از روستای ایذه خوزستان از پیدا کردن ده‌ها عقرب رنگارنگ و ریز و درشت در کلاس درس خود خبر داد و تصاویرش را در فضای مجازی منتشر کرد.

فقط مردم روستاهای خوزستان با عقرب‌ها همزیستی نمی‌کنند و سیستان و بلوچستان هم دست کمی از خوزستان ندارد و چیزی که زیاد در آن به چشم می‌خورد، عقرب‌هایی است که گاهی، کوچک و بزرگ را بی‌هوا می‌گزند و برخی افراد چند ساعت بعد به خاطر در دسترس نبودن پادزهر و امکانات درمانی فوت می‌کنند.

لیلا حسین زاده

نیش

دو ماه است دکتر ندارد. جاده درست و حسابی هم که نداریم بچه را به موقع به دکتر و بیمارستان برسانیم. بدبختی کشیدیم. برادرزاده‌ام به همین راحتی از دست رفت. برویم به چه کسی شکایت کنیم؟»

### زندگی در يك سیاره دیگر

از آه بلند و کشتاری که سلیم بلوچی، دهیار روستای تیتران دن نیکشهر می‌کشد، خیلی خوب می‌شود فهمید اوضاع درمانی در برخی روستاهای سیستان و بلوچستان اصلا خوب نیست. به قول خودش، انگار ساکنانش در سیاره دیگری زندگی می‌کنند. در فقر و محرومیت کامل و به هیچ چیز دسترسی ندارند. نه دکل مخابرات، نه جاده هموار، نه اینترنت و نه حتی دکتر و دوا و درمان. او می‌گوید: روستای چیل بن، جزو منطقه گرگان شهرستان نیکشهر است که ۱۴ پارچه روستا دارد. جز يك روستا که دکل مخابرات دارد، بقیه روستاها از همه چیز محرومند. خود من دهیار منطقه تیتران دن هستم که در آنجا دکل مخابرات نداریم. حدود دوماه است درمانگاه مهیان دکتر ندارد. مریض بیچاره یا باید بمیرد یا اگر دوام بیاورد، به بیمارستان نیکشهر منتقل می‌شود.

از وقتی در مورد مرگ عبدالرحمان مصاحبه کرده‌ام، مرا به ادارات کشانده‌اند که چرا گفتی دکتر و دارو نیست. چه باید بگویم؟ مگر داشتیم و دروغ گفته‌ام؟ خدا را شکر در فضای مجازی از من حمایت کردند و از این قضیه خوشحال هستم، اما به امکانات نیاز داریم. عبدالرحمان فوت شد، اما ممکن است زنبور بزرگسال یا کودک دیگری را نیش بزند. آیا او هم به دلیل در دسترس نبودن مرکز درمانی و دکتر و درمان محکوم به مرگ است؟



ناراحتی به خود می‌پیچید، پزشکان بیمارستان ۱۵ دقیقه بعد به پدر خبر دادند فرزندش فوت شده است. در بعضی سایت‌های خبری نوشته شده پدر عبدالرحمان، پسرش را دیر به مرکز درمانی منتقل کرده است. عموی عبدالرحمان از شنیدن این موضوع به شدت آشفته می‌شود و با لحنی تند و عصبانی می‌گوید: «کدام پدری است که اگر فرزندش بیمار شد، او را دیر به بیمارستان منتقل کند؟ مگر چنین چیزی ممکن است؟ کدام پدری حاضر است چنین ظمی در حق فرزندش کند؟ دروغ نوشته‌اند خانم. از وقتی عبدالرحمان گفت زنبور نیشش زده است و دل درد دارد، برادر من حتی يك لحظه هم درنگ نکرد و او را به درمانگاه برد. درمانگاه مهیان

### نه دکتر هست، نه دارو

پدر به زبان فارسی مسلط نیست و برادرش که کنارش نشسته است، به عنوان مترجم، حرف‌های او را برای ما ترجمه می‌کند. از ته صدای غمگین و ضعیف پدر می‌شود فهمید حال و روز خوبی ندارد. مراسم عزادری خانه‌اش برقرار است، اما قبول می‌کند چند دقیقه با تپش صحبت کند. او از روز حادثه تعریف می‌کند: «نزدیک غروب بود که عبدالرحمان به خانه آمد. گفت زنبور صورت و دستش را نیش زده است. تشنه‌اش بود و آب خواست. به او آب دادیم، اما چند لحظه بعد حالش بد شد و گفت شکمم درد می‌کند. همیشه وقتی بیماری داریم، او را به مرکز درمانی و بهداشتی مهیان منتقل می‌کنیم. طی مسیر از چیل بن تا مهیان به خاطر ناهموار بودنش، ۴۵ دقیقه زمان برد، اما دکتر نبود که پسر را درمان کند. گفتند نزدیک دوماه است اینجا دکتر ندارد. هیچ کاری از دست‌شان بر نمی‌آمد و باید او را به شهرستان نیکشهر می‌بردیم. برای همین دوباره از مهیان به سمت شهرستان نیکشهر حرکت کردیم که طی کردن این مسیر پریچ و خم، دست‌کم ۵۰ دقیقه زمان برد.»

پدر ملتهب و نگران در حالی که عبدالرحمان بیهوش را در آغوش داشت، وارد بیمارستان نیکشهر شد. پسر بچه را تحویل کادر اورژانس داد و گوشه‌ای نشست تا خبر سلامت فرزندش را به او بدهند. در حالی که پدر آرام و قرار نداشت و مادر حدود صد کیلومتر دورتر از خانه، بی‌خبر از فرزندش کوچکش، از

### فقط چند دقیقه!

زنبورگزیدگی بعضی وقت‌ها با يك ورم و درد جزئی ختم به خیر می‌شود، اما بعضی وقت‌ها هم به فاصله چند ساعت یا حتی چند دقیقه خیلی راحت جان می‌گیرد. از دکتر طاهره سوری، متخصص بیماری‌های عفونی راهکار خواستیم تا مردم بخوانند که شاید بتوانیم جلوی مرگ و میر ناشی از زنبورگزیدگی را بگیریم، اما او می‌گوید شوک آنافیلاکسی که در پی نیش زنبور به فرد وارد می‌شود، به قدری وحشتناک است که بیمار به سرعت و در مدت چند دقیقه باید به مرکز درمانی منتقل و با انجام عمل احیا، داروی ضد حساسیت به او تزریق شود. به گفته او، در این شرایط افرادی که اقدامات تخصصی انجام نداده‌اند، نمی‌توانند کار خاصی بکنند و در اولین فرصت، بیمارشان را باید به مرکز درمانی منتقل کنند. آن‌طور که این متخصص عفونی توضیح می‌دهد، همیشه هم این‌طور نیست و گاهی حتی فرد در داخل مرکز درمانی دچار شوک آنافیلاکسی می‌شود و اقدامات درمانی روی او جواب نمی‌دهد و فوت می‌کند.



نبود پزشك

در نزدیکی روستا و

دیر رسیدن پسر بچه

به بیمارستان شهر

جان او را

به خاطر نیش زنبور

گرفت

